مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۱ . زمستان ۱۴۰۴

Urban managment
No.81 Winter 2026

۶۹-۸۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

تحلیل وضعیت مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در راستای تحقق توسعه یکپارچه شهری (مطالعه موردی: شهرکرد)

ستار صادقی ده‌چشمه*: دانشیار گروه مدیریت جهانگردی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
جعفر سعیدی: دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
سید محسن موسویان: کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، مؤسسه آموزش عالی نور هدایت، شهرکرد، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در راستای تحقق توسعه یکپارچه شهری در شهر شهرکرد، انجام گرفت. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش، خبرگان دانشگاهی، کارشناسان و مدیران نهادی - سازمانی بودند که براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و زنجیره‌ای تعداد ۳۷ نفر انتخاب شدند. جهت تجزیه‌وتحلیل اطلاعات از نرم‌افزارSPSS استفاده شد. در گام اول با استفاده تحلیل اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای و سپس با استفاده از نظرات کارشناسان تعداد ۵ مؤلفه شامل «یکپارچگی نهادی، توانایی نهادی، یادگیری نهادی، ترتیبات قانونی و دانش و نوآوری نهادی» و تعداد ۵۱ مؤلفه استخراج گردید. در گام دوم بررسی کلی از وضعیت موجودِ مؤلفه‌ها حاکی از وضعیت متوسط این مؤلفه‌ها در جهت تحقق توسعه یکپارچه شهری شهرکرد بود. همچنین شاخص‌های «یکپارچگی در اقدامات اجرایی در روند توسعه شهری، هماهنگی مؤثر عمودی و افقی بین نهادهای مختلف دولتی، غیردولتی و جامعه مدنی برای برنامه‌ریزی یکپارچه شهری، یکپارچگی سیاست‌گذاری‌ها در روند توسعه شهری، مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری توسعه شهری، بهره‌برداری نهادهای شهری از نظرات شهروندان، درک از منافع عمومی به‌جای منافع بخشی / سازمانی، ارتقاء پیوسته دانش کارکنان، پایبندی به مفاد آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و اجرای یکسان قوانین، دسترس شهروندان به اطلاعات مربوط به خدمات توسعه شهری و شاخص میزان استفاده از دانش و تجربیات شهروندان» سطح نامناسبی را در تحقق توسعه یکپارچه شهری نشان دادند.

واژگان کلیدی: ظرفیت نهادی، یکپارچگی نهادی، برنامه‌های توسعه شهری، توسعه یکپارچه شهری، شهرکرد.

Analysis of the Status of Institutional Capacity Components for the Realization of Integrated Urban Development (Case Study: Shahrekord City)

Abstract

The present study aimed to elucidate the components of institutional capacity for the realization of integrated urban development in Shahrekord City. This research is applied in terms of objective and descriptive-analytical in terms of nature and method. The statistical population of the study consisted of 37 academic experts, specialists, and institutional-organizational managers who possessed the requisite knowledge and experience concerning the study's objectives and its geographical scope. These experts were selected using purposive and snowball sampling methods. SPSS software was employed for data analysis. In the first step, using documentary analysis and library studies, followed by expert opinions, five main components—namely, "institutional integration, institutional capability, institutional learning, legal arrangements, and institutional knowledge and innovation"—along with 51 sub-components were identified. In the second step, an overall assessment of the existing status of these components indicated a moderate level of readiness for realizing integrated urban development in Shahrekord. Furthermore, the following indicators demonstrated an inadequate level for achieving integrated urban development: integration in executive actions within the urban development process; effective vertical and horizontal coordination among various governmental, non-governmental, and civil society institutions for integrated urban planning; integration of policies in the urban development process; citizen participation in urban development decision-making processes; utilization of citizen opinions by urban institutions; understanding of public interest over sectoral/organizational interests; continuous improvement of staff knowledge; adherence to the provisions of regulations and directives and the uniform enforcement of laws; citizen access to information concerning urban development services; and the extent of utilizing citizen knowledge and experiences.

Keywords: Institutional Capacity, Institutional Integration, Urban Development Plans, Integrated Urban Development, Shahrekord.

* نویسنده مسؤول: s.sadeghi@sku.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

مقدمه

در کشورهای درحال‌توسعه مسائلی همچون فقدان کارایی و اثربخشی، نابرابری‌های فضایی و تفرقات سیاسی موجب گشته تا ناکارآمدی نهادها در نیل به توسعه پایدار بیش‌ازپیش نمایان گردد و رهیافت‌هایی برای ارتقای کارایی نهادها پیشنهاد گردد. یکی از این رهیافت‌ها، تقویت ظرفیت سازمان‌ها با عنوان ظرفیت نهادی[1] در حوزه به سرانجام رساندن مسئولیت‌ها و وظایف آن‌ها است بدین معنا که سه عنصر منابع ارتباطی، منابع دانشی و منابع کنشی برای بسیج کردن قابلیت‌های نهاد بکار گرفته شود. این سه عنصر نه‌تنها مکمل هم هستند بلکه می‌توانند یکدیگر را تقویت نمایند و در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی شهر - منطقه گام بردارند (ملایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰).

عدم توانایی سیاست‌های مبتنی‌بر رهیافت‌های سنتی و از بالا به پایین توسعه شهری در تحلیل مسائل شهری و ارائه راهکارهای مناسب توسعه محلی منجر به تلاش برنامه‌ریزان برای توسعه رهیافت‌های نوینی چون رهیافت نهادگرایی جدید شده است توسعه شهری مبتنی‌بر رهیافت نهادگرایی جدید بر پایه دارایی‌های ارتباطی و وابستگی درونی شامل دانش محلی ذینفعان توسعه شهری کیفیت نهادهای محلی هنجارهای اجتماعی با ثبات و روابط اجتماعی و تعاملات محلی است. براساس این رهیافت فقدان نهادهای کارا، مناسب، معتبر و دارای ظرفیت لازم برای کمک به توسعه شهری موجب ناپایداری توسعه شهری می‌گردد. برخی از نویسندگان مشکل عمده و اساسی در توسعه مناطق عقب‌مانده را فقدان سطح مناسبی از ظرفیت نهادی نسبت به مناطق توسعه‌یافته و یا ناکارآمدی و ناسازگاری در محیط نهادی محلی در تشخیص یک مدل رشد مسلط و برتر تلقی می‌کنند (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ به نقل از Gibbs et al, 2001). شهرها به‌عنوان مراکز اصلی زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار کشورها ایفا می‌کنند. با افزایش جمعیت و رشد سریع شهرنشینی، نیاز به مدیریت مؤثر و برنامه‌ریزی جامع شهری بیش‌ازپیش احساس می‌شود (UN-Habitat, 2022). بدین ترتیب ظرفیت نهادی نه یک مفهوم تحلیلی صرف بلکه ابزاری تجویزی به شمار می‌رود که براساس آن هرگونه سیاست و اقدام توسعه‌ای باید براساس ظرفیت نهادی موجود منطقه‌ای و محلی صورت گیرد. در این راستا، ظرفیت نهادی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های شهری شناخته می‌شود (Innes & Booher, 2018). در شرایط کنونی که فضاهای شهری با چالش‌های توسعه‌ای و ناپایداری‌های متعددی مواجه هستند، بهره‌گیری از ظرفیت نهادی متناسب با حوزه مسئولیت سازمان‌ها، گامی اساسی در مسیر توسعه یکپارچه و پایدار محسوب می‌شود (Mottelson & Wolff, 2025). با این حال، در بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه، برنامه‌ها به دلایل ساختاری متعددی از جمله: فرایندناپذیری، نادیده گرفتن ظرفیت نهادی، شناخت ناکافی از شرایط محیطی و توانمندی‌های بالقوه، بی‌توجهی به ظرفیت توسعه شهری، فقدان یکپارچگی و روند پایدار و نبود سنجش‌پذیری، عملاً به توسعه نمی‌انجامند (Mottelson & Wolff, 2025). با این رهیافت برخورد با چالش‌های عمده اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی که در حال حاضر بسیاری از مناطق شهری ایران با آن مواجه هستند، مستلزم ارتقا ظرفیت نهادی شهرها است. شهرکرد، مرکز استان چهارمحال و بختیاری و مرکز شهرستان شهرکرد، با وجود جایگاه استانی خود، در مسیر توسعه شهری با چالش‌هایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی روبه‌روست. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از: رشد جمعیت، مشکلات دفع آب‌های سطحی و فاضلاب، کمبود آب پایدار، ترافیک، نابرابری اجتماعی و خدمات اجتماعی، همکاری ضعیف بین نهادی، شکاف درآمدی، بیکاری، ضعف زیرساخت‌ها، کمبود مسکن، مهاجرت، عدم تناسب فعالیت‌ها با ظرفیت زیست‌بوم، ناهماهنگی مدیریت شهری، نظام مالی ناپایدار، کمبود حمل‌ونقل عمومی، درک ضعیف از مسائل فضایی، عدم توجه به نقش مردم و بخش خصوصی و ضعف یکپارچگی در برنامه‌ریزی. در مجموع، چالش‌های مربوط به رویکردها و سیاست‌های جاری و چشم‌اندازسازی توسعه شهری، ضرورت تقویت ظرفیت‌های نهادی برای حل این مسائل را آشکار می‌کند. انجام پژوهش حاضر می‌تواند گامی راهبردی در جهت تقویت ظرفیت نهادی برای تحقق توسعه یکپارچه شهری باشد؛ امری که هم به بهبود کیفیت زندگی و هم به اهداف کلان توسعه پایدار یاری می‌رساند؛ بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا بر پایه مطالعات نظری و تجربی، ضمن استخراج معیارها و شاخص‌های عام ظرفیت نهادی برای توسعه یکپارچه شهری، وضعیت مؤلفه‌ها و شاخص‌های ظرفیت‌های نهادی در شهر شهرکرد را ارزیابی نماید.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی در سطح ملی و بین‌المللی به بررسی ظرفیت نهادی و ارتباط آن با ابعاد مختلف توسعه پرداخته‌اند که در ادامه، مهم‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه ارائه شده است.

1. Institutional Capacity

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۱ . زمستان ۱۴۰۴
Urban managment
No.81 Winter 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

- **مالکویچ و همکاران**[1] (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان ظرفیت نهادی برای توسعه‌ی منطقه‌ای در کرواسی؛ مفهوم ظرفیت نهادی را عمدتاً در قالب «ظرفیت اجرایی» خلاصه کردند و ابعاد گوناگونی همچون ظرفیت عملیاتی و اداری را ذیل مفهوم جامع‌تر نهادی جای داده‌اند. آنان در سطحی کلان‌تر، ظرفیت نهادی اجرایی را در چهار حوزه کارکردی اصلی یعنی مدیریت، برنامه‌ریزی، کنترل و ارزیابی تعریف می‌کنند. یافته‌های تجربی این پژوهش نشان داده است که ظرفیت نهادی، در میان مجموعه عوامل تأثیرگذار، یکی از پیش‌شرط‌های اساسی برای استفاده کارآمد از منابع مالی در توسعه منطقه‌ای و محلی به شمار می‌رود.
- **سامپر**[2] (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان آیا سطحی از ظرفیت نهادی برای توسعه‌ی منطقه‌ای وجود دارد؟ ظرفیت نهادی را در چارچوب رویکردهای حکمرانی موردبررسی قرار داده است. وی این مفهوم را از ابعاد کفایت، منابع انسانی، امور اجرایی و مدیریت عمومی تحلیل کرده و نهادها را برای اداره امور توسعه، عنصری حیاتی تشخیص داده است. این پژوهشگر با اندازه‌گیری شاخص‌های توسعه در سطح شهرستان‌های کرواسی و ارتباط‌سنجی آن‌ها با میزان ظرفیت نهادی هر شهرستان، به این نتیجه می‌رسد که شهرستان‌هایی از سطح ظرفیت نهادی بالاتری برخوردارند، شاخص‌های توسعه بهتری نیز نشان می‌دهند؛ بنابراین، رابطه‌ای مستقیم بین ظرفیت نهادی و سطح توسعه وجود دارد. نکته مهمی که سامپر بدان اشاره می‌کند این است که ساختارهای مختلف حکمرانی، سطوح متفاوتی از ظرفیت نهادی دارند. از آنجا که در کرواسی ساختارهای نوین حکمرانی در حال شکل‌گیری هستند، برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه یکپارچه منطقه‌ای، لازم است سطوح موجود ظرفیت نهادی ارتقا یابد.
- **کریشناونی و سوجاتا**[3] (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان رویکرد نظام‌مند به ظرفیت نهادی بیان می‌دارند که ظرفیت‌سازی در سطح کلان بر تقویت ظرفیت نهادهایی نظیر دولت، سازمان‌ها و گروه‌های غیردولتی متمرکز است تا توانایی آن‌ها در خدمت‌رسانی به شهروندان ارتقا یابد. مرور گسترده ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که اگرچه ظرفیت‌سازی نهادی پدیده‌ای است که در بسیاری از کشورها رخ می‌دهد، اما هیچ روش نظام‌مندی برای انجام آن وجود ندارد. ازاین‌رو، پژوهش مذکور با ارائه یک رویکرد شش مرحله‌ای برای فرایند ظرفیت‌سازی نهادی، به این خلأ پژوهشی پاسخ می‌دهد. این رویکرد نظام‌مند به نهادها کمک می‌کند تا ظرفیت‌هایی برای ترویج حکمرانی بهتر ایجاد کرده و ساختارهای سیاست‌گذاری را به‌گونه‌ای بهبود بخشند که جامعه مدنی تقویت شود.
- **ایساکسون و هاگبرت**[4] (۲۰۲۰) در تحقیق خود با عنوان بهره‌گیری از ظرفیت نهادی برای یکپارچگی دیدگاه‌های افراطی در زمینه پایداری شهرداری‌های کوچک؛ تجارب سوئد، به این نتیجه رسیدند که منابع دانشی زیادی در نهادهای محلی وجود دارد اما تاکنون هیچ اثری در تصمیمات رادیکالی شهرداری‌ها نداشته است؛ بنابراین یک دستور کار قوی برای اقدام عملی و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای محلی ضرورتی مبرم است.
- نتایج تحقیق **کاظمیان و همکاران** (۱۳۹۱) با عنوان سنجش و تدوین راهبردهای مناسب ارتقاء ظرفیت نهادی منطقه‌ای (نمونه موردی: شهرستان‌های بوکان و ارومیه) نشان داد که سنجش ظرفیت نهادی در شهرستان‌های بوکان و ارومیه به ترتیب میزان‌های پایین و متوسطی دارد. همچنین راهبردهای ارتقاء ظرفیت نهادی شامل ایجاد سازوکارهای قانونی روابط بین نهادها، بهبود محیط و ترتیبات قانونی برای ایفای نقش نهادها، فراهم نمودن بسترهای لازم برای افزایش تناسب قوانین و مقررات سطوح بالاتر با سطح منطقه، تقویت نقش کارگروه‌ها و شوراهای تخصصی، واگذاری بیشتر امور محلی به نهادهای محلی، ایجاد زمینه‌های قانونی برای حضور نهادهای موجود در سطح منطقه در فرایندهای اداره منطقه، بهبود وضعیت دسترسی نهادها به منابع دانش و یادگیری و کسب دیدگاه‌ها و خواسته‌های مردم و همچنین افزایش حضور و نقش‌آفرینی نهادهای نماینده بخش خصوصی و سرانجام ارتقاء توانایی درونی نهادها (به‌ویژه ازلحاظ منابع مالی در شهرستان بوکان و به‌خصوص در ارتباط با نهادهای دولتی) می‌باشد.
- **آقاعلیخانی و برک‌پور** (۱۳۹۱) در پژوهشی به مقایسه ظرفیت‌های اجتماعی و نهادی توسعه پایدار در شهرهای کرج و قزوین پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که تفاوت معناداری بین متغیرهای سرمایه اجتماعی سرمایه نهادی و ظرفیت‌سازی در دو شهر و سطح بالاتر آن‌ها در شهر قزوین نسبت به شهر کرج است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که شهر

1. Malekovic et al
2. Sumper
3. Krishnaveni & Sujatha
4. Isaksson and Hagbert

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

قزوین جهت‌گیری مناسب‌تری در حرکت به‌سوی توسعه پایدار در مقایسه با شهر کرج دارد.

- **لاله‌پور** (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر ظرفیت نهادی - مدیریتی فضاهای شهری در ارتباط با مشارکت شهروندان در اداره شهرها (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر تبریز) به این نتایج رسید که در منطقهٔ ۸ شهر تبریز، ظرفیت پایین نهادی- مدیریتی فضای شهری حاکی از وضعیت نامطلوب مشارکت شهروندان است. همچنین مؤلفهٔ نگرش دولت به مشارکت بیشترین تأثیر را در بین مؤلفه‌های بسترهای نهادی - مدیریتی داشته است و سپس به ترتیب مؤلفه‌های نقش رسانه‌های جمعی، نقش تشکل‌های مردمی و ایجاد فرصت‌های ارتباط با مدیریت شهری در رتبه‌های بعدی قرار داشتند.
- **فنی و همکاران** (۱۳۹۹) در پژوهشی به ظرفیت‌سازی توسعه اجتماعی محلی برای مدیریت آسیب‌های اجتماعی و تقویت امنیت اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در مدیریت آسیب‌های اجتماعی شهر تهران مؤلفه‌های آموزشی، زیرساختی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی - سیاست‌گذاری است که ضروری است نهادهای ذی‌ربط به‌منظور ارتقای امنیت اجتماعی، اولویت‌های مربوطه را در برنامه‌های اجتماع‌محور توسعه شهری لحاظ نمایند.
- **ملایی و همکاران** (۱۴۰۰)، در تحقیقی با عنوان نقش ظرفیت نهادی در توسعه پایدار فضاهای شهری و پیراشهری بجنورد، به این نتیجه رسیدند که ظرفیت نهادی شهرستان بجنورد در تمامی گویه‌های موردبررسی در سطح پایینی قرار دارد. به همین ترتیب، این مؤلفه‌ها نتوانسته‌اند اثر مثبتی بر توسعه پایدار شهری - منطقه‌ای داشته باشند به‌طوری که بیشترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه منابع حیاتی و کمترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه منابع مادی و فیزیکی است.
- **میر وکیلی و مرادی مسیحی** (۱۴۰۱) در تحقیق خود با عنوان بررسی راهبرد توسعه شهری با تکیه‌بر ظرفیت‌سازی نهادی و اجتماعی در کلان‌شهر کرج به این نتیجه رسیدند که متغیر نهادی مدیریتی جز اثرگذارترین متغیر در راهبرد توسعه شهری کرج است.

تحلیل نتایج پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از آن است که اگرچه پژوهش‌های خارجی (اغلب با رویکرد کیفی) و پژوهش‌های داخلی (معمولاً متکی بر یافته‌های کمی) هر دو بر نقش نهادها در ابعاد مختلف توسعه تأکید دارند، بااین‌حال، ضعف این نهادها در دو حوزه «عمل» و «دانش» از اصلی‌ترین چالش‌های فراروی تحقق توسعه به‌شمار می‌رود. یافته‌های مطالعات یادشده نشان می‌دهد که برای دستیابی به توسعه‌ای یکپارچه و پایدار به‌گونه‌ای که مناطق و شهرها بتوانند با شرایط مدام در حال تغییر (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اکولوژیکی) مواجه شده، خود را با آن‌ها انطباق دهند و پذیرای تغییرات مستمر باشند، وجود سطحی از ظرفیت نهادی در آن‌ها ضروری است. در این پژوهش نیز تلاش شده است تا همسو با پژوهش‌های پیشین، علاوه بر بررسی وضعیت ظرفیت نهادی در شهر شهرکرد، به ارتباط آن با نهادینه شدن توسعه یکپارچه شهری پرداخته شود.

مبانی نظری

مفهوم نهاد

واژه نهاد به فتح اول به معنی تأسیس کردن وضع کردن، سازمان، مؤسسه، انجمن و نهاد به کسر اول به معنی درون و سرشت به کار رفته است. در این تحقیق مراد از نهاد موجودیت عینی بیرونی و ذهنیت درونی است (قلی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۴). از واژه نهاد جهت ارجاع و اشاره به مفاهیم مختلفی استفاده می‌شود. تعریفی که لین و ناجنت[1] ارائه کردند چنین است مجموعه قواعد رفتاری ایجاد شده توسط انسان به‌منظور اداره و شکل‌دهی به تعامل‌های انسان‌هاست که تا حدی به آن‌ها کمک می‌کند انتظاراتی از کنش دیگران داشته باشند بنابراین ممکن است نهادها به‌صورت هنجارها یا مقررات رفتاری معین ظاهر شوند (متوسلی، ۱۳۸۲: ۳۲۰).

نهادها به‌عنوان سازمان‌های رسمی و غیررسمی نقش انکارناپذیری در رفتارهای مدیریت محیطی از جمله کیفیت زندگی سکونتگاه‌ها دارند. نهادها در ایجاد و شکل‌گیری تعلقات، منافع، علاقه‌مندی‌ها، هدف‌گزینی بازیگران و قرار دادن بازیگران در دستیابی به هدف‌ها از جمله کیفیت زندگی نقش به سزایی دارند. از این نظر مطالعه نهادها برای شناخت اینکه چرا نتایج محصولات و یافته‌ها و فرآورده‌های مطمئن شبیه به هم هستند و چگونه می‌توان به نتایج، محصولات و یافته‌های مناسب دست یافت مفید خواهد بود (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۵۳)؛ بنابراین همان‌طور که آمد نهادها در شکل‌دهی به کیفیت زندگی و تغییر سیاست‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند (شکل ۱).

1. Lin & Nagent

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۱ . زمستان ۱۴۰۴
Urban managment
No.81 Winter 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

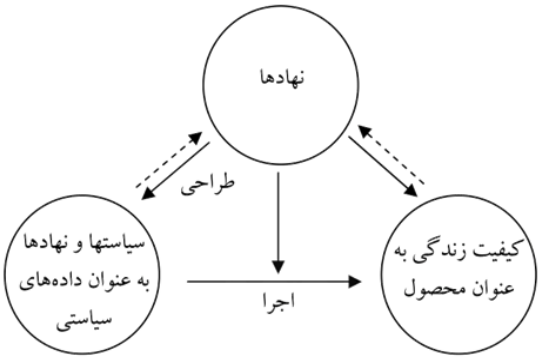

شکل ۱. ارتباط نهادها با سیاست‌های کیفیت زندگی و محصول آن

توسعه یکپارچه شهری

شهرها و مناطق شهری، سیستم‌های کالبدی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیار پیچیده و پویایی هستند که کنترل و هدایت برنامه‌ریزی‌شده آن‌ها با دشواری‌های بسیاری روبرو است. با توجه به چنین ویژگی شناخته‌شده‌ای، نظریه‌پردازان و کارگزاران برنامه‌ریزی و مدیریت برای دستیابی به کارایی و اثربخشی مورد انتظار در تحقق اهدافشان و پا به پای سیستم پیچیده موضوع خود یعنی شهر و منطقه، تلاش کرده‌اند سیستم متناظری با همان پیچیدگی‌ها برای برنامه‌ریزی و مدیریت آن ایجاد کنند تا از این طریق بتوانند برای هدایت توسعه یکپارچه و منسجم و نیز رفع مسائل بغرنج این پهنه جغرافیایی اقدام مؤثرتری نمایند. به این ترتیب مفاهیمی که اغلب با پسوندها یا پیشوندهایی چون یکپارچه یا یکپارچه‌سازی[1]، منسجم[2] و مانند این‌ها همراه می‌گردند گویای چنین تلاش‌هایی هستند. برای مثال مدیریت شهری یکپارچه[3]، یکپارچه‌سازی سیاستی[4]، حکومت شهری یکپارچه و تعابیری مانند این‌ها چه در سطح نظری و چه در سطح عملی گویای این است که سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت قادر نخواهد بود تعدد و تکثری را که در ماهیت پدیده‌هایی چون شهرها و مناطق شهری وجود دارد بدون جامع‌نگری و یکپارچه‌سازی تصمیم‌ها و سیاست‌های عوامل مختلف هدایت کند. در چنین شرایطی اهداف برنامه‌ریزی و مدیریت قابل تحقق نخواهد بود. در این ارتباط مفهوم یکپارچگی غالباً در تقابل با مفهوم پراکندگی معنا پیدا می‌کند که در آن حلقه اتصال بین عناصر متشکله یک سیستم یا نظام از هم گسسته‌اند (برک‌پور و اسدی، ۱۳۹۰: ۷۵). بر این اساس برنامه‌ریزی یکپارچه در واقع توجه به همه عناصر سیستم و در نظر گرفتن ارتباطات فی‌مابین و بسامان نمودن پراکندگی‌هاست. توسعه یکپارچه به مفهوم ارتباط منطقی بخشی، فضایی و زمانی برنامه‌ها در قالب برنامه‌ریزی‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی است که مشارکت فعال مردم و مدیریت واحد ناحیه‌ای را به دنبال دارد. دستیابی به یکپارچگی فضایی در سطح نواحی مبتنی بر شناخت نظام‌های متعادل فضایی، تباینات فضایی، قلمروها و سلسله‌مراتب فضایی است (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۱).

سلسله‌مراتب اهداف توسعه یکپارچه را می‌توان به ترتیب در چهار اقدام زیر نشان داد که اولین اقدام، تأمین حداقل نیازهای اساسی معیشتی را تشکیل می‌دهد و با برآوردن آن مجموعه بالاتری از نیازهای اقتصادی - سیاسی و درنهایت هدف کلی شکوفایی شخصیت انسان یا توسعه همه‌جانبه و آزاد شدن نیروی خلاقه کلیه افراد، مطرح می‌شود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۶: ۸۶):

۱) مبارزه با فقر شدید و بیکاری و دستیابی به حداقل درآمد و خدمات اجتماعی از طریق اشتغال همراه با مشارکت مردمی؛

۲) تأمین رشد اقتصادی بیشتر و تساوی گسترده‌تر همراه با افزایش آگاهی مردم؛

۳) تأمین عدالت اجتماعی برای خوداتکایی جامعه؛

۴) تعالی انسانی از طریق شایسته‌سالاری و توسعه ابتکار و خلاقیت انسان در جامعه.

توسعه یکپارچه با بهینه‌سازی تخصیص منابع و تقویت هماهنگی بین کارکردهای شهری، همان‌طور که با استفاده از نظریه هم‌زیستی برجسته شده است، پتانسیل شهری را افزایش می‌دهد. یکپارچگی که اخیراً در رابطه با طیف وسیعی از سازمان‌ها و نهادهای دولتی، خصوصی و عمومی به کار می‌رود و قابل تعمیم به رده‌های مختلف مدیریتی نظیر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل و حتی اجرا است، نوعی واکنش نسبت به گسترده شدن دامنه فعالیت‌ها و اثرات یک عمل سازمانی/ مدیریتی و تفرق‌های ناشی از آن است (کاظمیان و میرعابدینی، ۱۳۹۰: ۲۹).

توسعه یکپارچه شهری[5] مبتنی بر چندین مبانی نظری است که بر ارتباط متقابل عناصر شهری و ضرورت حکمرانی مشارکتی تأکید دارد. این رویکرد شهرها را به‌عنوان سیستم‌های پیچیده‌ای تشخیص می‌دهد که در آن‌ها عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی به‌صورت پویا تعامل دارند. بخش‌های زیر جنبه‌های کلیدی این مبانی نظری را شرح می‌دهد.

1. Integrated or Integration
2. Coherent
3. Integrated Urban Management
4. Policy Integration
5. integrated urban development

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

توسعه یکپارچه شهری به رویکردی سامانمند اشاره دارد که کیفیت و تنوع محیط‌های شهری را ضمن اجرای مدل‌های توسعه مدرن افزایش می‌دهد. هدف آن هماهنگ‌سازی رشد شهری، بهبود شرایط زندگی و استفاده از مزایای رقابتی برای توسعه پایدار ارضی است (Kudryavtseva, 2022).

توسعه یکپارچه شهری به سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که استفاده از زمین و برنامه‌ریزی حمل‌ونقل را برای کاهش گسترش شهری، محدود کردن سفرهای موتوری و تقویت مناطق استراتژیک ترکیب می‌کند. این برنامه بر توسعه ترکیبی با کیفیت بالا و کاربردی، به‌ویژه در اطراف ایستگاه‌های ترانزیت، برای ترویج رشد پایدار شهری تأکید دارد (Carpentieri et al, 2022).

توسعه یکپارچه شهری به یک رویکرد هماهنگ برای برنامه‌ریزی شهری اشاره دارد که جنبه‌های مختلف توسعه شهر را شامل می‌شود و رشد جامع و پایدار را تضمین می‌کند. این شامل چارچوب‌های قانونی و برنامه‌های دولتی برای تسهیل اجرای مؤثر و مدیریت فضاهای شهری است (Drueva, 2023).

اشترن (۱۹۹۳)[1] به‌طور مداوم تأکید می‌کنند که مداخله در سیستم شهری باید کل‌نگر و یکپارچه[2] باشد. ابعاد متنوع این کل‌نگری را می‌توان بدین شرح تشریح کرد (برک‌پور و اسدی، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۰):

۱- سیاست‌گذاری شهری باید به‌گونه‌ای کل‌نگر صورت گیرد (هم برحسب بخش‌ها و هم برحسب رابطه بین شهر و محیط پیرامونی).

۲- رویکرد توسعه شهری، تنوع موجود در تجارب عملی شهرها و نیز روش‌های تأثیر سیاست‌های بخشی بر نواحی شهری را به رسمیت می‌شناسد. این رویکرد هم کل‌نگر و هم چندرشته‌ای است.

۳- نیاز به رویکردی کل‌نگر، رویکردهای مقابل چالش‌های محیطی بیش از همه مستلزم همکاری نزدیک بین بخشی است.

۴- زمانی که حیات شهر رویدادی پویا و چندبعدی است، رویکردی که در پی مطالعه و بررسی شهری است باید بتواند این تنوع را در خود انعکاس دهد. جوهر چنین رویکرد کل‌نگر شناخت و پذیرش هم‌پیوندی‌های درونی همه بخش‌ها و مکان‌ها است.

۵- هر رویکرد یا استراتژی که تلاش می‌کند تا نوعی انسجام در حوزه سیاست‌گذاری شهری ایجاد کند، رویکرد توسعه شهری نامیده می‌شود. این رویکرد، به‌طور ایدئال، باید کل‌نگر باشد (شناخت این نکته که تعامل پیچیده عناصر شهری است که کارکرد شهر را ممکن می‌سازد).

۶- در حال حاضر اتخاذ رویکرد کل‌نگر ضروری است زیرا همه فعالیت‌های انسانی به‌شدت با هم پیوند دارند همان‌گونه که مفهوم سیستم شهری نیز به‌گونه‌ای تلویحی متضمن این حقیقت است.

۷- یک رویکرد کل‌نگر، برای مثال، مستلزم آگاهی از پیوندهای روشن بین سیاست‌های بخش رسمی و غیررسمی اقتصاد است.

۸- موضوع پسماند در اقتصاد شهری مثال خوبی برای توجیه ضرورت و اهمیت بررسی و مطالعه مسائل شهری از دید مدیریت به لحاظ فضایی منسجم و از دید بخشی، یکپارچه است.

این موارد ماهیت و مشخصه‌های مداخله در فرایند توسعه شهری را نشان می‌دهد که دغدغه اصلی مدیریت شهری محسوب می‌شود.

ظرفیت نهادی و توسعه شهری

ظرفیت در فرهنگ لغت آکسفورد به معنی «گنجایش، دریافت، تجربه یا تولید» و ساختن به معنی «ایجاد، با کنار هم قرار دادن موادی است که به‌تدریج خود را شکل می‌دهند» (Oxford Advanced Learner's Dictionary, 2000). ظرفیت، بنیه یا توانایی افراد و سازمان‌ها برای اجرای کارکردها به شیوه‌ای اثربخش، کارآمد و پایدار است و از این‌رو، ظرفیت‌سازی یا بنیه پروری فرایندی است که از طریق آن‌ها ظرفیت‌ها ساخته می‌شوند. ظرفیت‌سازی گام نخست فرایند چندمرحله‌ای توسعه ظرفیت به‌شمار می‌رود. در برخی منابع ظرفیت به‌منزله، مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، مهارت‌ها، درک‌ها، گرایش‌های ارزش‌ها، روابط، رفتارها، انگیزه‌ها، منابع و شرایطی تعریف می‌شود که افراد، سازمان‌ها، شبکه‌ها، بخش‌ها و سیستم‌های اجتماعی فراگیرتر را برای انجام کارکردها و دست‌یابی به اهداف توسعه خود در طول زمان توانا می‌کند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۳). برخی منابع، ظرفیت را به‌سادگی توان انجام کارکردها، حل مشکلات، طراحی و دست‌یابی به اهداف تعریف کرده‌اند (Panigrahi, 2012).

مفهوم ظرفیت نهادی نیز مانند مفهوم ظرفیت طی سال‌ها دستخوش تغییر شده و معانی و تعاریف متعددی را شامل شده است. معنای این عبارت فراتر از سازمان‌ها به‌صورت موجودیتی منفرد و نیز وظایف، ساختارها و فرایندهای آن‌ها رفته و به اصطلاحی تبدیل شده که

1. Stern
2. Holistic and Integrated

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۱ . زمستان ۱۴۰۴
Urban managment
No.81 Winter 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

لهان[1] از آن به‌عنوان «سرمایه اداری» یاد می‌کند. ظرفیت نهادی شامل توانمندسازی، سرمایه اجتماعی، محیط توانمندساز و مناسبات قدرت نیز می‌شود. همچنین، تقویت ظرفیت نهادی شامل بهبود همکاری عمودی و افقی و ادغام سازمان‌ها، حمایت از رشد درون‌زا، مدیریت دانش و یادگیری و تقویت محیط توانمندساز (سیاست‌ها و سازوکارهای همکاری) به‌منظور حمایت و پشتیبانی از اقدامات فردی و جمعی می‌باشد. رهبری نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از ابعاد و جنبه‌های ظرفیت نهادی در نظر گرفته شود (Wickham et al, 2009).

ظرفیت نهادی را می‌توان به‌عنوان محصول نوظهور تعاملات بین کنش‌گران مختلف درک کرد. ظرفیت نهادی از طریق تعاملات مکرر میان گروهی از کنش‌گرانِ مختلف ایجاد می‌شود. فرایند ظرفیت‌سازی نهادی معمولاً با تعدادی از کنش‌گرانی آغاز می‌شود که توسط کنش‌گران کلیدی گرد هم می‌آیند تا چهره به چهره در یک مدت‌زمان طولانی با یکدیگر تعامل داشته و توانایی‌های خود را بر روی یک موضوع مشترک موردنظرشان جهت دهند. تعاملات مکرر به کنش‌گران اجازه می‌دهد تا روابط حرفه‌ای خود را تقویت کنند یا روابط جدیدی بسازند. کنش‌گران همچنین ممکن است کنش‌گران کلیدی دیگری را که منابع و قدرت لازم برای انجام کارها را دارند، شناسایی کرده و درگیر کنند. روابط حرفه‌ای قوی‌تر، مبنایی را برای به اشتراک گذاشتن تجربیات و تولید مشترک دانش فراهم می‌کند که به کنش‌گران در تدوین برنامه‌هایی برای مواجهه با مسئله موردنظر کمک می‌کند (اینس و بوهر[2]، ۱۹۹۹)، استدلال می‌کنند که یکی از گسترده‌ترین اثرات ظرفیت‌سازی نهادی، یادگیری اجتماعی است. کنش‌گران درگیر در فرایند ظرفیت‌سازی می‌توانند راهکارهای جدیدیِ برای حل مسائل مشترک بیابند یا اهداف خود را مجدداً ارزیابی کنند و علایق و مسائل خود را به هم مرتبط سازند. این موضوع می‌تواند در توسعه چشم‌اندازهای راهبردی مشترک ملموس باشد که به تعاملات بیشتر میان کنش‌گران جهت می‌دهد (Spekkink, 2013).

ظرفیت نهادی تعاریف گوناگونی دارد؛ اما نکات کلیدی مفهوم ظرفیت نهادی شامل موارد زیر می‌گردد:

- توانایی نهادها در انجام وظایف محوله؛
- چگونگی استفاده یک نهاد از تمام منابع موجود برای دستیابی به نتایج حداکثری؛
- ره‌آورد تعاملات پویا میان سیاست‌ها، قوانین و مقررات حاکم بر نهاد و کنش‌گران مختلف؛
- سازوکاری برای افزایش قابلیت تلاش‌های مشترک از طریق تولید دانش و منابع ارتباطی و منابع سیاسی؛
- ترتیبات و سازوکارهای سازمانی برای هماهنگی و همسویی اقدامات چندسطحی دولت (ادغام عمودی) و توانمندسازی جامعه برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری (ادغام افقی)، از طریق کنش جمعی میان نهادهای رسمی و غیررسمی؛
- توانایی سازمان برای ایجاد و حفظ محیط و روابط تسهیل‌کننده و پشتیبان کنش جمعی در جهت تحقق اهداف موردنظر؛
- ایجاد ارتباط میان ابزار و اهداف به‌منظور تسهیل خط‌مشی‌گذاری و اجرای خط‌مشی‌ها؛
- توانایی انجام کارکردها، حل مسائل و همچنین تعیین اهداف و دستیابی به آن‌ها؛

اهمیت نقش ظرفیت نهادی به‌گونه‌ای است که نویسندگان متعددی اکنون توسعه محلی و منطقه‌ای را وابسته به وجود توانایی‌ها و یا ظرفیت‌های نهادی در درون یک منطقه می‌دانند. بنیان و پایه اساسی بیشتر چنین تحلیل‌هایی در توسعه مناطق عقب‌مانده این است که چنین مناطقی فاقد سطحی از ظرفیت نهادی هستند که در بیشتر مناطق توسعه‌یافته وجود دارد؛ بنابراین، نقش مهمی برای سیاست‌گذاری عمومی وجود دارد که به ایجاد انواعی از ظرفیت‌هایی که برای توسعه منطقه‌ای نقش هادی و راهنما را داشته باشند، کمک کند؛ یعنی آن‌گونه که مارتین استدلال می‌کند ایده ظرفیت نهادی به‌طور سریعی از مفهومی تحلیلی به ابزاری تجویزی تبدیل شده است (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴؛ به نقل از Gibbs et al, 2001: 103-104). ظرفیت نهادی به‌عنوان سیاست و ابزار اصلی رویکرد نهادی در توسعه منطقه‌ای دیده می‌شود. ظرفیت نهادی اغلب به‌عنوان مفهومی فازی دیده شده که در طول سال‌ها تکامل یافته و در حال تکامل است؛ چرا که حوزه تخصصی آن در طول سال‌ها از تمرکز پایه‌ای بر ایجاد و تقویت سازمان‌های منفرد و ارائه دوره‌های آموزشی فنی و مدیریتی برای حمایت از فرایندهای یکپارچه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در بین نهادها تکامل یافته است (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵).

گیبس و همکاران ظرفیت نهادی را در ارتباط تنگاتنگ با حکمروایی و شراکت موردبررسی قرار داده و معتقدند اگرچه بیشتر نویسندگان تمایل داشته‌اند که به فرایند نهادی کردن و نه شناسایی نهادها و ظرفیت‌های واقعی توجه کنند اما ظرفیت نهادی حداقل تا اندازه زیادی به‌واسطه حضور نهادی آژانس‌های توسعه اتحادیه‌های تجاری و انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلب شکل می‌گیرد (شکل ۲).

1. Lehan
2. Innes and Booher

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

به نظر گیبس و همکاران نهادها و ظرفیت آن‌ها پایه‌های روابط و شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی محلی شده را شکل می‌دهند و باعث ارتقا ظرفیت نهادی می‌گردند. گیبس و همکاران اذعان می‌دارند که شبکه‌سازی و وجود محیط‌های همکاری و اقدامات شراکتی به‌عنوان مشخصه‌های ظرفیت نهادی یک مکان و یا منطقه ایفای نقش می‌کنند (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶؛ به نقل از Gibbs et al, 2001).

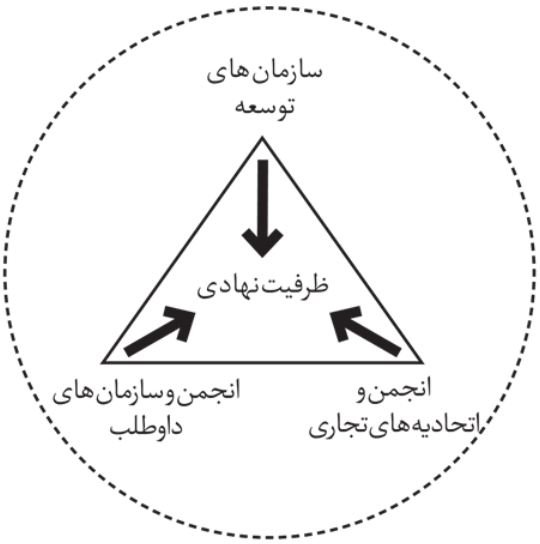

شکل ۲. عوامل اثرگذار بر ظرفیت نهادی در سطوح محلی/ منطقه‌ای

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرکرد یکی از شهرهای مرکزی ایران و مرکز استان چهارمحال و بختیاری است و مرکز شهرستان شهرکرد می‌باشد. این شهر از نظر موقعیت جغرافیایی در طول شرقی ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۲ دقیقه و عرض شمالی ۳۲ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۲۰ دقیقه واقع شده است (سازمان مسکن و شهرسازی چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۳). شهر شهرکرد در ارتفاع ۲۰۶۱ متری از سطح دریاهای آزاد قرار دارد که مرتفع‌ترین شهر در بین مراکز استانی بوده و به همین سبب، این شهر به بام ایران شهرت یافته است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۹: ۱۸). این شهر دارای دو منطقه شهری و تعداد هفت محله است. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر شهرکرد ۱۹۰۴۴۱ نفر (۵۵۴۹۲ خانوار) نفر برآورد شده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰: ۱۵۹).

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. به منظور شناسایی و استخراج شاخص‌ها، در مرحله اول: جهت تدوین مؤلفه‌ها و شاخص‌های ظرفیت نهادی شهری با مطالعه‌ی ادبیات، پژوهش‌های انجام‌شده و اسناد در دسترس با استفاده از روش تحلیل اسنادی ابتدا فهرستی از ابعاد و مؤلفه‌های ظرفیت نهادی استخراج، سپس با استفاده از نظرات کارشناسان این ابعاد و مؤلفه‌ها، تلفیق، خلاصه و طبقه‌بندی گردید که تعداد ۵ مؤلفه شامل «یکپارچگی نهادی، توانایی نهادی، یادگیری نهادی، ترتیبات قانونی و دانش و نوآوری نهادی» و تعداد ۵۱ مؤلفه استخراج گردید. در مرحله دوم برای سنجش وضعیت مؤلفه‌های ظرفیت نهادی از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، خبرگان دانشگاهی، کارشناسان و مدیران نهادی - سازمانی بودند که در زمینه اهداف مطالعه و قلمرو مطالعه از دانش و تجربه کافی برخوردار بودند. درنهایت تعداد ۳۷ نفر براساس روش «نمونه‌گیری هدفمند و زنجیره‌ای» انتخاب شدند. مؤلفه‌های و شاخص‌های ظرفیت نهادی را می‌توان با توجه به شرایط خاص هر شهر و اهداف توسعه شهری آن، تغییر داد و تکمیل کرد. برای اندازه‌گیری این شاخص‌ها می‌توان از روش‌های مختلفی مانند نظرسنجی از شهروندان، مصاحبه با مسئولان و کارشناسان، بررسی اسناد و مدارک و تحلیل داده‌های موجود استفاده کرد.

سنجش وضعیت مؤلفه‌های ظرفیت نهادی براساس رویکرد توسعه یکپارچه شهری

در این بخش به‌منظور سنجش وضعیت مؤلفه‌های ظرفیت نهادی براساس رویکرد توسعه یکپارچه شهری شهرکرد، ابتدا وضعیت نرمال بودن داده‌های موردبررسی قرار گرفت که جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف - اسمیرنف[1] تک نمونه‌ای استفاده شد. لازم به یادآوری است که عدم معناداری داده‌ها در این آزمون بیانگر تأیید فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌باشد. در مرحله دوم، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد که معناداری این آزمون نشان‌دهنده وجود اختلاف بین میانگین کسب‌شده و میانگین مفروض می‌باشد.

بررسی فرض نرمال بودن داده‌های پژوهش

برای تعیین نوع آزمون مورد استفاده پارامتریک یا نا پارامتریک لازم است میزان نرمال بودن توزیع داده‌ها بررسی گردد؛ زیرا استفاده از آزمون‌های پارامتریک مستلزم

1. Kolmogorov-Smirnov test

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۱ . زمستان ۱۴۰۴
Urban managment
No.81 Winter 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

این است که مفروضات اصلی آن که یکی از آن‌ها نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌باشد، رعایت گردد. به این منظور، در پژوهش حاضر جهت آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف - اسمیرنف تک نمونه‌ای استفاده گردید. نحوه تنظیم فرضیه پژوهشی و چگونگی تفسیر نتایج این آزمون را برای نتیجه‌گیری در مورد سنجش نرمال بودن جامعه به‌صورت زیر ارائه می‌گردد:

H_0: بین فراوانی‌های مورد انتظار و مشاهده‌شده تفاوت معناداری وجود ندارد (توزیع جامعه نرمال است).

H_1: بین فراوانی‌های مورد انتظار و مشاهده‌شده تفاوت معناداری وجود دارد (توزیع جامعه نرمال نیست).

براساس قاعده مربوط به این آزمون چنانچه مقدار معناداری از (۰/۰۵) بیشتر باشد در آن صورت توزیع مشاهده‌شده با توزیع نظری یکسان است و تفاوتی بین این دو وجود ندارد و توزیع به توزیع نرمال نزدیک‌تر است؛ بنابراین، همان‌طور که نتایج (جدول ۱)، نشان می‌دهد، به دلیل این‌که سطح معناداری محاسبه‌شده، بزرگ‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها در کلیه متغیرها نرمال است؛ بنابراین در تحلیل داده می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

جدول ۱. نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در توسعه شهری	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
یکپارچگی نهادی	۰/۰۱۱۱	۰/۲۰۰
توانایی نهادی	۰/۰۱۱۳	۰/۲۰۰
یادگیری نهادی	۰/۰۴۱۲	۰/۰۵۴۵
ترتیبات قانونی	۰/۰۱۳۷	۰/۰۷۵۹
دانش و نوآوری نهادی	۰/۰۱۲۳	۰/۰۱۷۳

در این بخش به‌منظور بررسی وضعیت مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در راستای تحقق توسعه یکپارچه شهری شهرکرد از آزمون فرض آماری میانگین یک جامعه یا به عبارتی از «آزمون تی تک نمونه‌ای» استفاده شد که در واقع تفاوت بین میانگین نمونه موردبررسی را با یک مقدار مفروض، مورد آزمون قرار می‌دهد. آزمون تی تک نمونه‌ای[1] زمانی استفاده می‌شود که پژوهشگر درصدد آزمون میانگین کلی یک متغیر حاصل از یک نمونه است و از مقدار انحراف معیار متغیر موردبررسی (sx) جامعه اطلاع ندارد (عزیزی، ۱۳۹۵: ۳۷۴). آزمون تی تک نمونه‌ای، در واقع مشخص می‌کند که تفاوت مشاهده‌شده بین دو میانگین نمونه در اثر عوامل شانس به وجود آمده یا تفاوت مشاهده‌شده بیانگر تفاوت واقعی دو جامعه می‌باشد. در این پژوهش میانگین فرض شده برای میانگین جامعه (طیف ۳)، می‌باشد. با توجه به طیف پاسخ‌ها، میانگین به‌دست‌آمده در بازه عدد یک تا سه، به معنای وضعیت «بسیار نامناسب و نامناسب» و در بازه بیشتر از عدد سه، به معنای وضعیت «متوسط، مناسب و بسیار مناسب» می‌باشد.

بنابراین در آزمون مطرح‌شده فرض‌های (H_0 و H_1) به‌منظور ارزیابی میانگین متغیرها به شرح زیر مطرح می‌گردد:

$$H_0 : \mu_x = ۳$$

$$H_1 : \mu_x \neq ۳$$

سنجش وضعیت شاخص‌های یکپارچگی نهادی

برای سنجش وضعیت مؤلفه یکپارچگی نهادی از (۱۲) شاخص استفاده شد. براساس محاسبات انجام‌شده (جدول ۲) در میان مؤلفه‌های مورد مطالعه، شاخص‌های «ساختار سلسله‌مراتبی و ساختار سازمانی واضح و مشخص نهادهای شهری» با مقدار میانگین (۴/۰۵) و شاخص «تقسیم مناسب وظایف و مسئولیت‌ها بین نهادها» با مقدار میانگین (۳/۹۵)، بیشترین مقدار میانگین و وضعیت بهتری نسبت به سایر شاخص‌های یکپارچگی نهادی داشته‌اند. شاخص‌های «یکپارچگی در اقدامات اجرایی در روند توسعه شهری» با مقدار عددی (۲/۹۲)، «هماهنگی مؤثر عمودی و افقی بین نهادهای مختلف دولتی، غیردولتی و جامعه مدنی برای برنامه‌ریزی یکپارچه شهری» با میانگین (۲/۸۶) و «یکپارچگی سیاست‌گذاری‌ها در روند توسعه شهری» با میانگین (۲/۷۶)، دارای کمترین میانگین بوده‌اند.

1. One Sample t-Test

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

جدول ۲. وضعیت شاخص‌های یکپارچگی نهادی

ارزش آزمون = ۳					
شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
ساختار سلسله‌مراتبی و ساختار سازمانی واضح و مشخص نهادهای شهری	۴,۰۵	/۹۱۱	۷,۰۳۶	۳۶	۰۰۰.
تقسیم مناسب وظایف و مسئولیت‌ها بین نهادها	۳,۹۵	/۹۴۱	۶,۱۱۳	۳۶	۰۰۰.
ارزیابی و بهبود عملکرد سازمان‌های شهری	۳,۳۵	/۹۸۸	۲,۴۰۵	۳۶	.۰۲۱
تبادل اطلاعات بین نهادها	۳,۰۳	/۸۹۷	.۱۸۳	۳۶	.۸۵۶
هماهنگی مؤثر عمودی و افقی بین نهادهای مختلف دولتی، غیردولتی و جامعه مدنی برای برنامه‌ریزی یکپارچه شهری	۲,۸۶	/۷۱۳	-۱,۱۵۲	۳۶	.۲۵۷
میزان همکاری، انسجام و مشارکت نهادها در تصمیم‌گیری برای امور توسعه شهری	۳,۰۵	/۶۶۴	۴۹۵.	۳۶	.۶۲۴
میزان تعهد جمعی در میان سازمان‌ها و نهادها برای توسعه شهری	۳,۲۴	/۹۲۵	۱,۵۹۹	۳۶	.۱۱۸
یکپارچگی سیاست‌گذاری‌ها در روند توسعه شهری	۲,۷۶	۱/۰۱۱	-۱,۴۶۳	۳۶	.۱۵۲
یکپارچگی در اقدامات اجرایی در روند توسعه شهری	۲,۹۲	/۶۸۲	-.۷۲۳	۳۶	.۴۷۴
وجود اعتماد در بین نهادهای شهری	۳,۰۳	۱/۰۶۷	.۱۵۴	۳۶	.۸۷۸
دستیابی به اجماع در تصمیم‌گیری‌های توسعه شهری	۳,۰۸	/۷۵۹	.۶۵۰	۳۶	.۵۲۰
تمایل جمعی نهادهای شهری برای تعامل در سطوح مختلف	۳,۲۷	/۹۰۲	۱,۸۲۲	۳۶	.۰۷۷

بررسی کلی از وضعیت موجودِ مؤلفه «یکپارچگی نهادی» در توسعه یکپارچه شهری شهرکرد، براساس میانگین کلی و میانگین نظری (حد متوسط: ۳) نشان می‌دهد که این بعد با مقدار میانگین (۳/۲۲) در وضعیت متوسطی قرار دارد (جدول ۳).

جدول ۳. وضعیت مؤلفه یکپارچگی نهادی

ارزش آزمون = ۳					
مؤلفه یکپارچگی نهادی	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
	۳/۲۲	/۰۵۵۲	۲/۳۸۰	۳۶	.۰۲۳

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۱ . زمستان ۱۴۰۴
Urban managment
No.81 Winter 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

بررسی وضعیت مؤلفه توانایی نهادی

برای سنجش وضعیت مؤلفه «توانایی نهادی» از (۱۷) شاخص استفاده شده است. براساس محاسبات انجام‌شده (جدول ۴) در میان شاخص‌های مورد مطالعه، شاخص «تناسب شغل با تخصص افراد اداره‌کننده» با مقدار میانگین (۳/۸۶) و شاخص «دانش و تجربه کارکنان نهادهای شهری و میزان آموزش‌های ارائه‌شده برای انجام وظایف» با مقدار میانگین (۳/۷۰)، بیشترین مقدار میانگین و وضعیت بهتری نسبت به سایر شاخص‌ها داشته‌اند. شاخص‌های «مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری توسعه شهری» با میانگین (۲/۸۶)، «بهره‌برداری نهادهای شهری از نظرات شهروندان» با مقدار (۲/۹۲) و «درک از منافع عمومی به‌جای منافع بخشی / سازمانی» با مقدار (۲/۹۷)، نیز دارای کمترین میانگین بوده‌اند.

جدول ۴. وضعیت شاخص‌های توانایی نهادی

ارزش آزمون = ۳					
شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
تناسب شغل با تخصص افراد اداره‌کننده	۳،۸۶	۱،۰۵۸	۴،۹۷۱	۳۶	.۰۰۰
دانش و تجربه کارکنان نهادهای شهری و میزان آموزش‌های ارائه‌شده برای انجام وظایف	۳،۷۰	۱،۱۷۵	۳،۶۳۷	۳۶	.۰۰۱
توانایی بسیج مؤثر منابع انسانی	۳،۳۵	.۸۸۹	۲،۴۰۵	۳۶	.۰۲۱
تصمیم‌گیری‌های شفاف نهادهای شهری	۳،۳۲	۱،۰۲۹	۱،۹۱۷	۳۶	.۰۶۳
مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری توسعه شهری	۲،۸۶	.۷۱۳	-۱،۱۵۲	۳۶	.۲۵۷
بهره‌برداری نهادهای شهری از نظرات شهروندان	۲،۹۲	.۷۲۲	-.۶۸۳	۳۶	.۴۹۹
دسترسی نهادهای شهری به منابع مالی و بودجه مناسب برای پروژه‌های توسعه شهری و توسعه زیرساخت‌های شهری	۳،۱۶	۱،۰۹۳	.۹۰۲	۳۶	.۳۷۳
میزان سرمایه انسانی باتجربه در سازمان‌های اداره‌کننده شهر	۳،۰۵	۱،۱۷۷	.۲۷۹	۳۶	.۷۸۲
بهبود ترتیبات نهادی برای اطمینان از تخصیص بهینه منابع توسعه شهری	۳،۱۴	.۹۱۸.	.۸۹۶	۳۶	.۳۷۶
میزان نواری و خلاقیت در سازمان‌های شهری در امر توسعه	۳،۰۳	۱،۰۶۷	.۱۵۴	۳۶	.۸۷۸
میزان انعطاف‌پذیری نهادها در اجرای امور توسعه شهری	۳،۰۸	.۷۵۹.	.۶۵۰	۳۶	.۵۲۰
توان یادگیری نهادی و قابلیت به‌روزرسانی توان علمی و اجرایی نهادها در امر توسعه	۳،۲۷	.۹۰۲	۱،۸۲۲	۳۶	.۰۷۷
توانایی تجهیز به سیستم‌های نوین فناوری	۳،۶۲	۱،۲۱۰	۳،۱۲۵	۳۶	.۰۰۴
توانایی نهادها در مواجه با تغییرات	۳،۹۵	.۹۴۱	۶،۱۱۳	۳۶	.۰۰۰
درک از منافع عمومی به‌جای منافع بخشی / سازمانی	۲،۹۷	.۹۲۸	-.۱۷۷	۳۶	.۸۶۰

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

ارزش آزمون = ۳				
شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
وجود اهداف روشن و مشخص در راستای چشم‌انداز توسعه شهری	۳,۳۰	۱,۰۲۴	۱,۷۶۶	۳۶	.۰۸۶
مشارکت اعضا و کارکنان در تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای	۳,۳۵	.۹۱۹	۲,۳۲۴	۳۶	.۰۲۶

بررسی کلی از وضعیت موجودِ مؤلفه «توانایی نهادی» در توسعه یکپارچه شهری شهرکرد، براساس میانگین کلی و میانگین نظری (حد متوسط: ۳) نشان می‌دهد که این بعد با مقدار میانگین (۳/۲۹) در وضعیت متوسطی قرار دارد (جدول ۵).

جدول ۵. وضعیت مؤلفه توانایی نهادی

ارزش آزمون = ۳					
مؤلفه توانایی نهادی	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
	۳/۲۹	۰,۴۹۳	۳/۵۵۹	۳۶	۰/۰۰۱

بررسی وضعیت مؤلفه یادگیری نهادی

برای سنجش وضعیت شاخص‌های یادگیری نهادی از (۷) شاخص استفاده شده است. براساس محاسبات انجام‌شده (جدول ۶) در میان شاخص‌های مورد مطالعه، شاخص «ترویج و انتشار دانش و اطلاعات موجود در درون نهادها» با مقدار میانگین (۳/۷۸)، بیشترین مقدار میانگین و مؤلفه «ارتقاء پیوسته دانش کارکنان» با مقدار عددی (۳/۰۰)، دارای کمترین میانگین بود که در بین شاخص‌های مؤلفه یادگیری نهادی وضعیت پایین‌تری دارد.

جدول ۶. وضعیت شاخص‌های یادگیری نهادی

ارزش آزمون = ۳					
شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات نهادهای شهری به یکدیگر	۳,۷۳	۱,۱۴۶	۳,۸۷۳	۳۶	۰,۰۰۰
ترویج و انتشار دانش و اطلاعات موجود در درون نهادها	۳,۷۸	۱,۱۳۴	۴,۲۰۵	۳۶	۰,۰۰۰
تشویق کارکنان به تسهیم دانش و تجربیات خود با دیگر اعضا	۳,۴۱	۰,۹۲۷	۲,۶۶۱	۳۶	۰,۰۱۲
میزان استفاده عملی از دانش موجود	۳,۱۴	۰,۹۴۸	۰,۸۶۷	۳۶	۰,۳۹۱
میزان استفاده از تجربیات کسب‌شده در درون نهادها	۳,۱۹	۰,۸۴۵	۱,۳۶۳	۳۶	۰,۱۸۱
ارتقاء پیوسته دانش کارکنان	۳,۰۰	۰,۶۶۷	۰,۰۰۰	۳۶	۱,۰۰۰
دسترسی به منابع یادگیری در امور توسعه شهری	۳,۳۸	۰,۹۲۴	۲,۴۹۲	۳۶	۰,۰۱۷

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۱ . زمستان ۱۴۰۴
Urban managment
No.81 Winter 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

بررسی کلی از وضعیت موجودِ مؤلفه «یادگیری نهادی» در توسعه یکپارچه شهری شهرکرد، براساس میانگین کلی و میانگین نظری (حد متوسط: ۳) نشان می‌دهد که این بعد با مقدار میانگین (۳/۳۷) در وضعیت متوسطی قرار دارد (جدول ۷).

جدول ۷. وضعیت مؤلفه یادگیری نهادی

ارزش آزمون = ۳					
	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
یادگیری نهادی	۳,۳۷	۰,۵۸۹	۳,۸۶۵	۳۶	۰/۰۰۰

بررسی وضعیت مؤلفه ترتیبات قانونی

برای سنجش وضعیت شاخص‌های ترتیبات قانونی توسعه شهری، از (۷) شاخص استفاده شد. براساس محاسبات انجام‌شده (جدول ۸) در میان شاخص‌های مورد مطالعه، شاخص «میزان شفاف بودن قوانین و مقررات شهری» با مقدار میانگین (۳/۷۸) و شاخص «میزان شفاف بودن قوانین و مقررات شهری» با مقدار میانگین (۳/۳۸)، بیشترین مقدار میانگین را داشتند و شاخص «پایبندی به مفاد آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و اجرای یکسان قوانین» با میانگین (۳/۰۰)، دارای کمترین میانگین بود.

جدول ۸. وضعیت شاخص‌های مؤلفه ترتیبات قانونی

ارزش آزمون = ۳					
شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
قوانین و مقررات شهری به‌روز و کارآمد و جامع	۳,۳۵	۰,۹۴۹	۲,۲۵۲	۳۶	۰,۰۳۱
نظارت مناسب بر اجرای قوانین و مقررات	۳,۱۱	۰,۸۰۹	۰,۸۱۳	۳۶	۰,۴۲۲
میزان شفاف بودن قوانین و مقررات شهری	۳,۷۸	۱,۱۰۹	۴,۲۹۹	۳۶	۰,۰۰۰
میزان انعطاف‌پذیری قوانین و مقررات نهادها	۳,۳۸	۱,۰۳۷	۲,۲۲	۳۶	۰,۰۳۳
میزان شناخت و تفسیر صحیح قوانین و مقررات توسط کارگزاران و مسئولان مدیریت شهری	۳,۰۸	۰,۷۲۲	۰,۶۸۳	۳۶	۰,۴۹۹
پایبندی به مفاد آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و اجرای یکسان قوانین	۳,۰۰	۱,۲۰۲	۰,۰۰۰	۳۶	۱,۰۰۰
میزان الزام قانونی در زمینه هماهنگی و همکاری نهادها	۳,۰۸	۰,۷۵۹	۰,۶۵	۳۶	۰,۵۲۰

بررسی کلی از وضعیتِ موجودِ مؤلفه «ترتیبات قانونی» در توسعه یکپارچه شهری، براساس میانگین کلی و میانگین نظری (حد متوسط: ۳) نشان می‌دهد که این مؤلفه با مقدار میانگین (۳/۲۵) در سطح متوسط قرار دارد (جدول ۹).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

جدول ۹. وضعیت مؤلفه ترتیبات قانونی

ارزش آزمون = ۳					
ترتیبات قانونی	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
	۳,۲۵	۰,۶۷۷	۲,۲۸۷	۳۶	۰,۰۲۸

بررسی وضعیت مؤلفه دانش و نوآوری نهادی

برای سنجش وضعیت شاخص‌های مؤلفه دانش و نوآوری نهادی از (۸) شاخص استفاده شده است. براساس محاسبات انجام‌شده (جدول ۱۰) در میان شاخص‌های مورد مطالعه، شاخص «توجه به نوآوری‌های علمی و دانش روز در امر توسعه» با مقدار میانگین (۳/۷۳)، بیشترین مقدار میانگین و وضعیت بهتری نسبت به سایر شاخص‌های دانش و نوآوری نهادی داشته است. در این میان، شاخص‌های «دسترس شهروندان به اطلاعات مربوط به خدمات توسعه شهری»، با میانگین (۲/۹۲) و شاخص «میزان استفاده از دانش و تجربیات شهروندان» با مقدار (۲/۹۵) دارای کمترین میانگین بودند.

جدول ۱۰. وضعیت شاخص‌های دانش و نوآوری نهادی

ارزش آزمون = ۳					
شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
استفاده نهادهای شهری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی در مدیریت شهری	۳,۲۲	۱,۱۸۲	۱,۱۱۳	۳۶	۰,۲۷۳
دسترس شهروندان به اطلاعات مربوط به خدمات توسعه شهری	۲,۹۲	۱,۱۸۷	-۰,۴۱۵	۳۶	۰,۶۸۰
توجه به نوآوری‌های علمی و دانش روز در امر توسعه	۳,۷۳	۰,۹۹	۴,۴۸۳	۳۶	۰,۰۰۰
برخورداری از برنامه گذر به‌سوی سازمان یادگیرنده	۳,۶۵	۰,۹۴۹	۴,۱۵۷	۳۶	۰,۰۰۰
تمایل به اشتراک‌گذاری آموخته‌ها و تجارب	۳,۳۲	۰,۷۴۷	۲,۶۴	۳۶	۰,۰۱۲
داشتن دانش تخصصی در حوزه فعالیت و توسعه شهری	۳,۲۴	۱,۲۵۶	۱,۱۷۸	۳۶	۰,۲۴۷
میزان توانایی تولید ایده‌های نو در درون نهادها	۳,۶۸	۰,۹۷۳	۴,۲۲۲	۳۶	۰,۰۰۰
میزان استفاده از دانش و تجربیات شهروندان	۲,۹۵	۱,۲۲۴	-۰,۲۶۹	۳۶	۰,۷۹۰

بررسی کلی از وضعیت موجودِ مؤلفه «دانش و نوآوری نهادی» در توسعه یکپارچه شهر شهرکرد، براساس میانگین کلی و میانگین نظری (حد متوسط: ۳) نشان می‌دهد که این بعد با مقدار میانگین (۳/۳۳) در وضعیت میانه قرار دارد (جدول ۱۱).

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۱ . زمستان ۱۴۰۴
Urban managment
No.81 Winter 2026

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

جدول ۱۱. وضعیت مؤلفه دانش و نوآوری نهادی

ارزش آزمون = ۳					
دانش و نوآوری نهادی	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
	۳/۳۳	۰,۶۳۳	۳,۲۴۵	۳۶	۰,۰۰۳

همچنین مطابق با (جدول ۱۲)، تحلیل کلی از وضعیت هریک مؤلفه‌های ظرفیت نهادی براساس رویکرد توسعه یکپارچه شهری در شهر شهرکرد ارائه شده است. بر این اساس مقدار میانگین مؤلفه «یکپارچگی نهادی» برابر با (۳/۲۲)، مؤلفه «توانایی نهادی» برابر با (۳/۲۹)، مؤلفه «یادگیری نهادی» برابر با (۳/۳۷)، مؤلفه «ترتیبات قانونی» برابر با (۳/۲۵) و مؤلفه «دانش و نوآوری نهادی» برابر با (۳/۳۳) بوده است. در این راستا مقادیر میانگین هر یک از مؤلفه‌های ظرفیت نهادی براساس رویکرد توسعه یکپارچه شهری در شهر شهرکرد وضعیتی در سطح میانه را نشان داد

جدول ۱۲. وضعیت مؤلفه‌های ظرفیت نهادی براساس رویکرد توسعه یکپارچه شهری در شهر شهرکرد

ارزش آزمون = ۳					
مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
یکپارچگی نهادی	۳/۲۲	/۰۵۵۲	۲/۳۸۰	۳۶	.۰۲۳
توانایی نهادی	۳/۲۹	۰,۴۹۳	۳/۵۵۹	۳۶	۰/۰۰۱
یادگیری نهادی	۳,۳۷	۰,۵۸۹	۳,۸۶۵	۳۶	۰/۰۰۰
ترتیبات قانونی	۳,۲۵	۰,۶۷۷	۲,۲۸۷	۳۶	۰,۰۲۸
دانش و نوآوری نهادی	۳/۳۳	۰,۶۳۳	۳,۲۴۵	۳۶	۰,۰۰۳

همچنین مطابق با (جدول ۱۳ و شکل ۳)، بررسی کلی شاخص‌های هر مؤلفه نشان داد که شاخص‌های «یکپارچگی در اقدامات اجرایی در روند توسعه شهری، هماهنگی مؤثر عمودی و افقی بین نهادهای مختلف دولتی، غیردولتی و جامعه مدنی برای برنامه‌ریزی یکپارچه شهری و یکپارچگی سیاست‌گذاری‌ها در روند توسعه شهری، مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری توسعه شهری، بهره‌برداری نهادهای شهری از نظرات شهروندان و درک از منافع عمومی به‌جای منافع بخشی / سازمانی، ارتقاء پیوسته دانش کارکنان، پایبندی به مفاد آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و اجرای یکسان قوانین، دسترس شهروندان به اطلاعات مربوط به خدمات توسعه شهری و شاخص میزان استفاده از دانش و تجربیات شهروندان» سطح نامناسبی را در تحقق توسعه یکپارچه شهری نشان دادند.

جدول ۱۳. وضعیت شاخص‌های زیر حد متوسط ظرفیت نهادی

ارزش آزمون = ۳					
شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (٪۵)
هماهنگی مؤثر عمودی و افقی بین نهادهای مختلف دولتی، غیردولتی و جامعه مدنی برای برنامه‌ریزی یکپارچه شهری	۲,۸۶	/۷۱۳	-۱,۱۵۲	۳۶	.۲۵۷
یکپارچگی سیاست‌گذاری‌ها در روند توسعه شهری	۲,۷۶	۱/۰۱۱	-۱,۴۶۳	۳۶	.۱۵۲
یکپارچگی در اقدامات اجرایی در روند توسعه شهری	۲,۹۲	/۶۸۲	-.۷۲۳	۳۶	.۴۷۴
مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری توسعه شهری	۲,۸۶	.۷۱۳	-۱,۱۵۲	۳۶	.۲۵۷
بهره‌برداری نهادهای شهری از نظرات شهروندان	۲,۹۲	.۷۲۲	-.۶۸۳	۳۶	.۴۹۹
درک از منافع عمومی به‌جای منافع بخشی / سازمانی	۲,۹۷	.۹۲۸	-.۱۷۷	۳۶	.۸۶۰
دسترس شهروندان به اطلاعات مربوط به خدمات توسعه شهری	۲,۹۲	۱,۱۸۷	-۰,۴۱۵	۳۶	۰,۶۸۰
میزان استفاده از دانش و تجربیات شهروندان	۲,۹۵	۱,۲۲۴	-۰,۲۶۹	۳۶	۰,۷۹۰

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

شکل ۳. وضعیت کلی شاخص‌های زیر حد متوسط ظرفیت نهادی

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۸۱ . زمستان ۱۴۰۴
Urban managment
No.81 Winter 2026

نتیجه‌گیری

ظرفیت نهادی به عنوان یکی از ارکان اصلی تحقق رویکرد توسعه یکپارچه شهری شناخته می‌شود. تقویت ظرفیت نهادی نه‌تنها به بهبود کارایی نهادها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد محیطی پایدارتر و پاسخ‌گوتر برای شهروندان منجر شود. نهادهای کارآمد قادرند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را به‌طور مؤثر انجام دهند، خدمات عمومی را به شهروندان ارائه کنند و با چالش‌های شهری در ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و ... مقابله کنند. همچنین، نهادهای قوی می‌توانند مشارکت شهروندان را در فرآیند توسعه شهری تسهیل کرده و از حقوق آن‌ها دفاع کنند. همکاری میان تمامی ذی‌نفعان، از دولت‌ها گرفته تا جامعه مدنی و بخش خصوصی، کلید موفقیت در ایجاد ظرفیت نهادی مؤثر خواهد بود. تنها با ایجاد یک چارچوب جامع که تمامی جنبه‌های توسعه یکپارچه شهری را پوشش دهد، می‌توان به سمت آینده‌ای پایدارتر حرکت کرد. پژوهش حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در راستای تحقق توسعه یکپارچه شهری در شهر شهرکرد، انجام گرفت. به‌منظور شناسایی مؤلفه‌های ظرفیت نهادی مبتنی بر توسعه یکپارچه شهری، ابتدا با تحلیل اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای، فهرستی اولیه از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها استخراج و سپس با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان، تلفیق و طبقه‌بندی گردید که درنهایت ۵ مؤلفه اصلی (یکپارچگی نهادی، توانایی نهادی، یادگیری نهادی، ترتیبات قانونی و دانش و نوآوری نهادی) همراه با ۵۱ شاخص تدوین شد. جهت سنجش وضعیت این مؤلفه‌ها در شهر شهرکرد، پس از تأیید نرمال بودن توزیع داده‌ها با آزمون کلموگروف - اسمیرنف، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که وضعیت هر پنج مؤلفه در سطح متوسط قرار دارد؛ با این حال، شاخص‌هایی نظیر یکپارچگی در اقدامات اجرایی، هماهنگی عمودی و افقی نهادها، یکپارچگی سیاست‌گذاری‌ها، مشارکت شهروندان، بهره‌برداری نهادها از نظرات شهروندان، درک منافع عمومی به‌جای منافع بخشی، ارتقای پیوسته دانش کارکنان، پایبندی به آیین‌نامه‌ها و اجرای یکسان قوانین، دسترسی شهروندان به اطلاعات و استفاده از دانش و تجربیات شهروندان در وضعیت نامناسبی قرار داشته و مسیر تحقق توسعه یکپارچه شهری را با مانع مواجه ساخته‌اند؛ به عبارت دیگر، صرف وجود ساختارهای نهادی متوسط، بدون تقویت حلقه‌های اتصال میان نهادها و شهروندان و نیز بدون بهبود ترتیبات اجرایی و دانش‌بنیان، نمی‌تواند به توسعه یکپارچه و پایدار شهری منجر شود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود: نخست، بسترهای نهادی برای هماهنگی عمودی و افقی میان دستگاه‌های دولتی، غیردولتی و جامعه مدنی از طریق ایجاد کارگروه راهبری بین نهادی توسعه شهری فراهم گردد؛ دوم، فرآیندهای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری با تأکید بر بهره‌مندی نظام‌مند از نظرات و تجارب آنان نهادینه شود؛ سوم، برنامه‌های ارتقای پیوسته دانش کارکنان نهادهای شهری با رویکرد یادگیری ضمن خدمت و مبتنی بر نیازهای محلی طراحی و اجرا گردد؛ چهارم، نظارت بر اجرای یکسان قوانین و آیین‌نامه‌ها و تضمین دسترسی آزاد و برابر شهروندان به اطلاعات خدمات توسعه شهری در دستور کار دائمی مدیریت شهری قرار گیرد؛ و پنجم، در بازنگری طرح‌های توسعه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

شهری، مؤلفه ظرفیت نهادی به عنوان یک شاخص کلیدی و پیش‌نیاز در کنار سایر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی لحاظ شود. تحقق این پیشنهادها نیازمند اراده جمعی نهادهای متولی، بازنگری در ترتیبات قانونی موجود و تخصیص منابع مالی و انسانی متناسب است. در غیر این صورت، حتی با وجود شناسایی دقیق مؤلفه‌ها، شکاف میان وضع موجود و مطلوب در زمینه توسعه یکپارچه شهری شهرکرد همچنان پابرجا خواهد ماند.

منابع

۱. آقاعلیخانی، زینب و برک‌پور، ناصر (۱۳۹۱). مقایسه ظرفیت‌های اجتماعی و نهادی توسعه پایدار در شهرهای کرج و قزوین، فصلنامه مطالعات شهری، ۱(۴) ۸۱-۹۴.

۲. برک‌پور، ناصر و اسدی. ایرج (۱۳۹۰). مدیریت و حکمروایی شهری، تهران: دانشگاه هنر.

۳. پورمحمدی، محمدرضا؛ طورانی، علی و حسینلو، معصومه (۱۳۹۲). توسعه یکپارچه نواحی روستایی و شهری؛ رویکردی فضایی و استراتژیک در نظام برنامه‌ریزی سکونتگاهی، اندیشه جغرافیا، ۷(۱۴). ۳۶-۹.

۴. دهقانی، مصطفی؛ حقیقت‌نایینی، غلامرضا و زبردست، اسفندیار (۱۴۰۰). تحلیل ظرفیت نهادی توسعه شهری دانش‌بنیان اصفهان، نشریه نامه معماری و شهرسازی، ۱۳(۳۱)، ۵-۲۲.

۵. رفیعیان، مجتبی؛ خدایی، زهرا و داداش‌پور، هاشم (۱۳۹۳). ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی به‌مثابه‌ی رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱(۲)، ۱۶۰-۱۳۳.

۶. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۹). مدیریت توسعه روستایی (بنیان‌های نظری)، تهران: انتشارات سمت.

۷. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی چهارمحال و بختیاری (۱۳۹۹). گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه، تهران: سازمان برنامه‌وبودجه کشور.

۸. سازمان مسکن و شهرسازی چهارمحال و بختیاری (۱۳۸۲). طرح جامع شهر شهرکرد، مطالعات وضع موجود.

۹. عزیزی، شهریار (۱۳۹۵). روش پژوهش در مدیریت با تأکید بر مثال‌های کاربردی و آماری، تهران: انتشارات سمت.

۱۰. فنی، زهره؛ کلانتری، محسن؛ کارگر، بهمن و نوائی، حسین (۱۳۹۹). ظرفیت‌سازی توسعه اجتماعات محلی؛ سازوکاری برای مدیریت آسیب‌های اجتماعی و تقویت امنیت اجتماعی (مورد مطالعه کلان‌شهر تهران)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۱(۱)، ۷۳-۴۳.

۱۱. قلی‌پور، آرین (۱۳۸۴). نهادها و سازمان‌ها اکولوژی نهادی سازمان‌ها، تهران: انتشارات سمت.

۱۲. کاظمیان، غلامرضا و میرعابدینی، زهره (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳(۴۶)، ۳۸-۲۷.

۱۳. کاظمیان، غلامرضا، فرجی‌راد، خدر؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و پورطاهری، مهدی (۱۳۹۱). سنجش و تدوین راهبردهای مناسب ارتقاء ظرفیت نهادی منطقه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان‌های بوکان و ارومیه)، فصلنامه مطالعات شهری، ۱(۲)، ۳۹-۲۳.

۱۴. لاله‌پور، منیژه (۱۳۹۶). تحلیلی بر ظرفیت نهادی- مدیریتی فضاهای شهری در ارتباط با مشارکت شهروندان در ادارهٔ شهرها (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر تبریز)، نشریه جغرافیا و توسعه ۱۵(۴۹)، ۵۹-۸۰.

۱۵. متوسلی، محمود (۱۳۸۲). مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.

۱۶. مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). سالنامه آماری استان چهارمحال و بختیاری - بخش جمعیت.

۱۷. مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۶). برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

۱۸. ملایی، خداکرم؛ کوزه‌گر کالجی، لطفعلی؛ رضویان، محمدتقی و توکلی‌نیا، جمیله (۱۴۰۰). نقش ظرفیت نهادی در توسعه پایدار فضاهای شهری و پیراشهری بجنورد، فصلنامه توسعه فضاهای پیراشهری، ۳(۱)، ۳۶-۱۹.

۱۹. میر وکیلی، علی‌اکبر و مرادی مسیحی، واراز (۱۴۰۱). بررسی راهبرد توسعه شهری با تکیه‌بر ظرفیت‌سازی نهادی و اجتماعی در کلان‌شهر کرج، مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۳ (۲): ۱۶۵-۱۴۱.

20. Carpentieri, G., Papa, R., & Guida, C. (2022). Promoting integrated urban development. An application in Naples metropolitan area. Transportation Research Procedia, 60, 488-495.

21. Drueva, A., A. (2023). Integrated development of the territory: legal conditions for ensuring. Vestnik Universiteta imeni O. E. Kutafina, 82-90. doi: 10.17803/2311-5998.2022.100.12.082-090

22. Gibbs, D. C., Jonas, A. E., Reimer, S., & Spooner, D. J. (2001). Governance, institutional capacity and partnerships in local economic development: theoretical issues and empirical evidence from the Humber Sub-region. Transactions of the Institute of British Geographers, 26(1), 103-119.

23. Innes, J. E., & Booher, D. E. (2018). Planning with complexity: An introduction to collaborative rationality for public policy (2nd ed.). Routledge.

24. Isaksson, K., & Hagbert, P. (2020). Institutional capacity to integrate "radical" perspectives on sustainability in small municipalities: experiences from Sweden. Environmental Innovation and Societal Transitions, 36, 83–93.

25. Krishnaveni, R., & Sujatha, R. (2013). Institutional Capacity Building: A Systematic Approach. SCMS Journal of Indiean Management, 10(4), 1–107.

26. Kudryavtseva, V. A. (2022). An integrated development mechanism as the basic element of

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

development of urban areas. In AIP Conference Proceedings (Vol. 2434, No. 1). AIP Publishing.

27. Malekovic, S., Jaksa P., and Mario, P. (2007). Institutional Capacity for Regional Development in Croatia on the County Level, UDC 332.1(497.5.(
28. Mottelson, J., & Wolff, S. M. (2025). On participatory urban planning in contexts of limited institutional capacity: An analysis of Kigamboni detailed framework and guideline 2019–2039 in Dar es Salaam, Tanzania. Cities, 162, Article 105995. https://doi.org/10.1016/j.cities.2025.105995
29. Oxford Advanced Learner's Dictionary. (2000). Capacity.Oxford University Press.
30. Panigrahi, M. (2012). Capacity Building of Teachers through Distance Mode Using Teleconferencing as an Innovative Tool. Turkish Online Journal of Distance Education, 13(2), 256-266.
31. Spekkink, W. (2013). Institutional capacity building for industrial symbiosis in the Canal Zone of Zeeland in the Netherlands: A process analysis. Journal of Cleaner Production, 52, 342-355.
32. Stern, R. (1993). Uraban Management In Development Assistance. Cities, 10(2).
33. Sumpor, M. (2007). Is There any Institutional Capacity for Integrated Regional Development? Application of New Governance Approaches in Croatia, 47th Congress of the European Regional Science Association, Paris, August 29th to September 2nd.
34. UN-Habitat. (2022). World cities report 2022: Envisaging the future of cities. United Nations Human Settlements Programme.
35. Wickham, F., Kinch, J., & Lal, P. (2009). Institutional capacity within Melanesian countries to effectively respond to climate change impacts, with a focus on Vanuatu and the Solomon Islands. In Secretariat of the Pacific Regional Environment Programme (SPREP).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]